

دو رویکرد دو نتیجه

عباس عبدي

بیانیه دو نهاد امنیتی کشور درباره حوادث 40 روز گذشته جای بحث فراوان دارد. در این یادداشت می‌گویم که یک نکته محوری درباره آن را به نقد و بررسی بگذارم. امیدوارم نویسندگان بیانیه و سایر مقامات محترم این نکته را مورد توجه قرار دهند. این نقد مهمی است و باید پاسخی برای آن داشت.

علت یا علل بیش از 40 روز اعتراضی که هنوز هم فروکش نکرده است و چشم‌انداز آن نیز روشن نیست را چه می‌دانیم؟ رویکرد بیانیه این است که این وضعیت محصول توطئه‌های بیرونی و به‌طور مشخص برنامه‌های رسانه‌ای فرامرزی است. گرچه وجود ضعف‌ها و کاستی‌های داخلی را رد نمی‌کند، ولی آنها را موثر در موضوع نمی‌داند و یک مساله یا موضوع فرعی می‌داند. رویکرد مقابل، دقیقاً در جهت عکس است. اصل وجود برنامه‌ها و اقدامات و توطئه بیگانگان را رد نمی‌کند، ولی آن را بسیار فرعی و کم‌اثر می‌داند و علت اصلی را در نقاط ضعف داخلی می‌داند. یکی از مهم‌ترین مصادیق آن نیز، ضعف مفرد رسانه‌ای است که رسانه‌های رسمی داخلی را از کارکرد اصلی خود جدا و به بوق‌های تبلیغاتی تبدیل کرده است. این دو تحلیل از وضعیت موجود، دو نوع رفتار و دو نوع نتیجه راهبردی را به دست می‌دهد.

براساس رویکرد اول، باید فیلتر کرد، پارازیت انداخت، روزنامه‌ها و رسانه‌های وابسته را تقویت کرد، امکانات فراوان به شبه‌رسانه‌های بوق‌واره اختصاص داد. رسانه‌هایی که اخبار و گزارش‌های آنان به درد مردم نمی‌خورد و در خدمت «جنگ روایت‌ها» و مطلوب مقامات بالادست است و هیچ اعتبار و اعتمادی برای حقیقت و مردم ایجاد نمی‌کند، در نتیجه مردم نیز هنگام نیاز، با عبور از فیلترینگ و به جان خریدن امواج پارازیت از موانع می‌گذرند و به اخبار شبکه‌های دسترسی پیدا می‌کنند که آن نیز مشکلات خود را دارد و حقیقت و مجاز را باهم مخلوط می‌کنند.

رویکرد دوم دقیقاً برعکس عمل می‌کند. نه طرفدار فیلترینگ است و نه پارازیت و اصولاً کاری به رسانه‌های فرامرزی یا به قول بیانیه‌نویسان رسانه‌های وابسته به سیا و... ندارد، چون طرفدار حقیقت است و معتقد است که می‌توان با تکیه به رسانه‌های داخلی و رقابتی کردن آنها،

نیاز رسانه‌ای مردم به حقیقت را در چارچوب قانون و عرف جامعه ایران تامین کرد. در این صورت روزنامه‌نگاران حرفه‌ای کشور جایگاه شایسته خود را نزد مردم و افکار عمومی پیدا می‌کنند و مثل همه ملل دیگر بی‌نیاز از رسانه‌های فرامرزی می‌شوند. اگر در رویکرد اول فشار و تهدید روزنامه‌نگار یا بازداشت او ضرورت پیدا می‌کند، در این رویکرد روزنامه‌نگار احساس امنیت و آزادی می‌کند و در چارچوب قانون صدای مردم خواهد شد و مردم نیز به صدایی جز صدای خود گوش نخواهند داد.

این دو رویکرد دو نتیجه مهم دارد؛ نتیجه رویکرد اول، ناامیدی و شکست است. چون چگونه می‌خواهند با عواملی که جملگی در خارج هستند مقابله کنند؟ آن‌هم با زیرساخت‌های ارتباطی که روزبه‌روز پیشرفته‌تر و همگانی‌تر شده و دسترسی به آنها آسان‌تر می‌شود. کافی است که به سرنوشت مقابله با ماهواره و اینترنت مراجعه کنید. اینترنت را بستن چنان پرهزینه است که هیچ مسوولی که ذره‌ای در فکر خدمت به مردم باشد آن را برنمی‌تابد. به علاوه بستن اینترنتی که بیش از 85 درصد افراد بالای 18 سال از آن استفاده می‌کنند که تقریباً به معنای استفاده صددرصدی افراد تحصیلکرده است، چه معنایی جز شکست دارد؟ پس معنای این رویکرد اعلام شکست پیش از قطعی شدن آن است. هیچ نتیجه دیگری از این رویکرد نمی‌توان گرفت.

نتیجه رویکرد دوم، برخلاف اولی است. یعنی اینکه متغیر اصلی و تاثیرگذار در داخل کشور است. کافی است آن را کارآمد کرده و در خدمت مردم و جامعه درآوریم و مردم را بی‌نیاز از گرایش به خارج کنیم. البته این کار مستلزم پرداخت هزینه است و باید ظرفیت انتقادپذیری و اصلاح امور نیز به دست آید و این به نفع همه است. انتخاب با شماست که کدام نتیجه را می‌پذیرید، هر نتیجه، معادل با انتخاب رویکرد متناظر آن است.